

روایت
هم‌میهن

زیر سایه تردید

نخستین دور مذاکرات ایران و آمریکا در دولت چهاردهم از امروز در عمان آغاز می‌شود

اسلامی ایران تاکید کرده‌است که مذاکرات روز شنبه «یک آزمون» برای دولت جدید آمریکا است. اظهارات برخی از مقام‌های آمریکایی از جمله مایک والتز، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا در مورد ضرورت برچیده شدن کامل برنامه هسته‌ای ایران و نام کاتن، سناتور جمهوری خواه در مورد ضرورت رسیدن به راهکاری مشابه لیبی در سال ۲۰۰۳ نگرانی‌ها را در مورد بیان خواسته‌های حداکثری از سوی آمریکا در مذاکرات بیشتر کرده‌است. بسیاری از تحلیل‌گران و کارشناسان معتقدند که بیان چنین مطالباتی از سوی واشنگتن باعث می‌شود مذاکرات به بن‌بست برسند. اما دونالد ترامپ، به جای اعزام شخصیت‌های تندرو دولتش برای انجام مذاکره با تهران، استیو ویتکاف را به عنوان رهبر مذاکرات با تهران تعیین کرده که فردی معامله‌گر و کاملاً مورد اعتماد ترامپ است. ویتکاف به‌رغم اینکه هیچ تجربه‌ای در حوزه سیاست خارجی ندارد، اما در حال حاضر رهبری مذاکرات آمریکا در جنگ اوکراین و جنگ غزه را برعهده دارد. هرچند گزارش‌ها حاکی از نقش چشمگیر ویتکاف در توافق آتش‌بس و تبادل اسرای اسرائیل و حماس در جنگ غزه، پیش از مراسم تحلیف ترامپ بودند، اما این آتش‌بس چندان دوام نیاورد و نهایتاً با شکست مواجه شد. با این حال ویتکاف همچنان خوش‌بین است که دور جدیدی از آتش‌بس در غزه برقرار شود. در حوزه جنگ اوکراین نیز ویتکاف هنوز نتوانسته‌است به دستاورد قابل توجهی دست پیدا کند.

روز جمعه اسماعیل بقایی همامانه، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اما با حسن نیت و هوشیاری کامل به دیپلماسی یک فرصت واقعی می‌دهیم. آمریکا باید این تصمیم را که به‌رغم هیاهوهای خصمانه آنها اتخاذ شده است قدر بداند. ما نه پیش‌دورمی می‌کنیم و نه پیش‌گویی؛ ما در نظر داریم روز شنبه نیت و جدیت طرف مقابل را ارزیابی نموده و متناسب

شهاب شهبازی
خبرنگار گروه دیپلماسی

اگر واقعه غیرمنتظره‌ای رخ ندهد، مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا امروز در مسقط آغاز می‌شود. سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران و استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه با میانجی‌گری واسطه‌های عمانی با یکدیگر گفتگو می‌کنند. این گفت‌وگوها در سایه ناامیدی و بدبینی‌های بسیار آغاز می‌شود. در تهران هرچند اعلام آغاز مذاکرات از روز شنبه باعث تحولاتی کم‌رنگ در بازار آزاد ارز و بازار سهام شد، اما حجم این تحولات چندان کوچک بود که نشان می‌داد امید چندان به موفقیت مذاکرات میان دولت پزیشکیان و دولت ترامپ وجود ندارد. در طول یک هفته گذشته، دو طرف به جای آنکه در مورد خواسته‌ها و مطالبات خود در مذاکرات سخن بگویند، در مورد فرمت مذاکرات پیش‌رو حرف می‌زنند. دولت آمریکا ادعا می‌کند که مذاکرات مستقیم خواهد بود و ایران هم تاکید می‌کند همانگونه که از قبل گفته‌است مذاکرات در عمان غیرمستقیم است. روز چهارشنبه، روزنامه واشنگتن پست به نقل از منابعی در دولت آمریکا مدعی شد که اگر ایران بر غیرمستقیم بودن مذاکرات تاکید کند، ممکن است استیو ویتکاف سفرش را به عمان لغو کند. این ادعا بلافاصله با واکنش تهران مواجه شد. خبرگزاری صداسیما با انتشار خبری به نقل از یک منبع آگاه انتشار این ادعا را «با اهداف خاص رسانه‌ای و سیاسی» توصیف کرد.

انتظار چندانی از نخستین دور مذاکرات در عمان نمی‌رود. آمریکا این مذاکرات را «گفت‌وگوهای مقدماتی» برای تعیین «دستورکار» توصیف کرده‌است. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری



آمریکا از طریق جنگ به هیچ‌یک از اهدافش نمی‌رسد

تحلیلگر
نگاه

تصور من بر این است که آمریکا در صورتی هم که به ایران حمله کند به هیچ‌یک از اهداف اصلی‌اش نخواهد رسید. به همین دلیل اقدام احتمالی نظامی آمریکا یک اقدام غیرعقلانی محسوب می‌شود، چراکه با محاسبه هزینه و فایده، می‌توان نتیجه گرفت که چنین اقدامی هزینه بسیار بیشتری نسبت به فایده‌هایش خواهد داشت. چراکه نه باعث جلوگیری از اتمی شدن ایران می‌شود و نه باعث تغییر رژیم در ایران خواهد شد.

خواسته‌های احتمالی ایران برای یک توافق موقت یا مقطعی، روشن است. ایران احتمالاً بر حفظ زیرساخت‌های برنامه هسته‌ای خود پافشاری خواهد کرد و تنها به محدودیت‌های موقتی تن می‌دهد که در مواقع لزوم قابل برگشت باشند. در کنار آن، تهران می‌کوشد توان موشکی خود، به‌ویژه موشک‌هایی با برد بالای ۲۰۰۰ کیلومتر را تثبیت کند، چراکه این توان از ارکان اساسی بازدارندگی آن است. با این حال، اقتصاد نیز یکی از اولویت‌های اصلی ایران در مذاکرات خواهد بود. این کشور به دنبال دستاوردهای اقتصادی ملموس است، به‌ویژه در زمینه‌های تحریم‌های نفتی بندهای ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ کنگره، و محدودیت‌های مالی مربوط به سیستم سوئیفت. از اهداف کلیدی تهران، خنثی‌سازی «مکانیزم ماشه» است؛ چه با جلوگیری از فعال‌سازی آن، و چه با تأخیر انداختن آن در چارچوبی حقوقی که الزام‌آوری آن را کاهش دهد. آمریکا خواسته‌های وسیع‌تری دارد و مشخص نیست که در شرایط کنونی به کدام‌یک از مطالباتش اولویت می‌دهد تا امکان یک توافق ایجاد شود. واشنگتن از یک سو می‌خواهد مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای واقعی شود، با افزایش «زمان‌گریز هسته‌ای» به بیش از ۱۲ ماه، تا فرصت کافی برای بازدارندگی یا مداخله فراهم شود. از سوی دیگر، واشنگتن ترجیح می‌دهد بخشی از تحریم‌ها را حفظ کند؛ نه به‌عنوان ابزار مجازات، بلکه به‌مثابه امری دائمی برای فشار، به‌ویژه با توجه به تردیدهای عمیق نسبت به رفتار آینده‌ی ایران. نگرانی‌های آمریکا تنها به بعد هسته‌ای محدود نمی‌شود، بلکه شامل توسعه توان نظامی متعارف ایران و نفوذ آن در گروه‌های هم‌پیمان چون حزب‌الله، حوثی‌ها و حشدالشعبی نیز هست. با این حال، همین

از اتمی شدن ایران باشد، حمله به ایران نتیجه عکس خواهد داد. همانگونه که سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ ایران را به اتمی شدن نزدیک‌تر کرد، هرگونه اقدام نظامی علیه ایران، بدون تردید گزینه اتمی شدن را در ذهن رهبران ایران بسیار نسبت به گذشته منطقی‌تر و جدی‌تر خواهد کرد. در عرض ماه‌ها و سال‌های اخیر بارها و بارها، مسئولان و مقام‌هایی (هر چند غیررسمی، اما اثرگذار) در تهران این مسئله را تذکر داده‌اند که اگر به ایران فشار جدی وارد شود یا حمله نظامی انجام شود، «دکترین هسته‌ای» ایران تغییر خواهد کرد. ما این سخن را به تازگی از زبان علی لاریجانی، مذاکره‌کننده پیشین هسته‌ای و مشاور کنونی رهبر ایران و پیش از این از زبان کمال خرازی، وزیر خارجه پیشین و دیگر مشاور کنونی رهبر ایران شنیده‌ایم. اما به تازگی دو نکته جدیدتر هم به مجموعه این اظهارنظرها اضافه شده‌است. نخست بیانیات رهبر ایران است که به تازگی تاکید کرد: «ما اگر می‌خواستیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، آمریکا نمی‌توانست جلوی ما را بگیرد.» نکته دوم اینکه علی لاریجانی هم در سخنان اخیر خود به تلویحاً گفته‌است که حتی اگر به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله شود، باز هم ایران توانایی ساخت سلاح هسته‌ای خواهد داشت. بیان این دو نکته نشان می‌دهد که ایران آمادگی حمله را دارد و در صورت هرگونه اقدام نظامی علیه ایران باز هم گزینه تغییر در دکترین هسته‌ای را حفظ خواهد کرد. به عبارتی مقام‌های ایران به وضوح گفته‌اند که جنگ علیه ایران، دیگر اثری در پتانسیل اتمی شدن ایران نخواهد داشت.

آمریکا چه در دولت کنونی و چه در دولت پیشین اعلام کرده‌است که تنها هدفش در پرونده هسته‌ای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است. آمریکا نمی‌تواند این سخنان مقام‌های ایرانی را بشنود و با ادعای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای صرفاً به چند مرکز هسته‌ای ایران حمله نظامی انجام دهد و پس از آن عملیات نظامی را متوقف کند. ایران به وضوح گفته‌است که در صورت چنین اقدامی، می‌تواند برنامه هسته‌ای‌اش را بازسازی کند و دکترین هسته‌ای خود را تغییر دهد. در واقع چنین حمله نظامی کاتالیزوری برای تبدیل ایران به یک قدرت هسته‌ای خواهد بود.

علم صالح
استاد مطالعات ایران و خاورمیانه
در دانشگاه ملی استرالیا

در مورد مذاکراتی که امروز قرار است در عمان میان تهران و واشنگتن آغاز شود، به اعتقاد من تنها چیزی که کمترین اهمیت را دارد، فرمت مذاکرات است. در واقع بحث مستقیم یا غیرمستقیم بودن مذاکرات یک نکته انحرافی است که هر دو طرف برای مصرف داخلی مطرح می‌کنند. از یک طرف دونالد ترامپ قصد دارد ادعا کند که برنده این مواجهه دیپلماتیک من هستم و مذاکرات مستقیم برگزار می‌شود و از طرف دیگر تهران می‌گوید که ما برنده شدیم و فرمت به انتخاب ما غیرمستقیم خواهد بود. کل این قضیه بیشتر از یک شوخی دیپلماتیک نیست. این مذاکرات حتی اگر ابتدا به شکل غیرمستقیم برگزار شود، اگر دو طرف آمادگی مذاکرات جدی و نتیجه‌بخش داشته‌باشند، در عرض چند ساعت یا چند روز می‌تواند به مذاکرات مستقیم تبدیل شود. فرمت مذاکرات بدون تردید هیچ تاثیری بر شکل و ماهیت رفتار مذاکره‌کنندگان نخواهد داشت و اثری بر نتیجه ندارد.

اما سوال اینجاست که اگر این مذاکرات برگزار شود و به نتیجه مورد نظر دو طرف نرسد، یا در چارچوب زمانی مشخصی نتیجه ملموس به دست نیآورد، چه خواهد شد؟ دونالد ترامپ بارها تهدید کرده‌است که فرصت زمانی محدودی برای مذاکرات وجود دارد و اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، آمریکا از گزینه نظامی استفاده خواهد کرد. در این مورد دو مسئله مهم وجود دارد. نخست اینکه آیا ایالات متحده آمریکا توانایی حمله نظامی به ایران دارد یا نه؟ جواب این سوال مثبت است، آمریکا توانایی حمله به ایران دارد. اما مسئله مهم‌تر و جدی‌تر این است که آیا آمریکا در صورت مواجهه نظامی با ایران به اهداف مورد نظر خود دست پیدا خواهد کرد یا نه؟ به باور من آمریکا اگر جنگی را با ایران آغاز کند، به هیچ‌یک از اهداف مورد نظر اعلام‌شده‌اش نخواهد رسید. اگر هدف نهایی جلوگیری

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های تحلیلگران خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

ایران حاضر به پذیرش «مدل لیبی» نخواهد بود



باربارا اسلاوین
پژوهشگر برجسته
اندیشکده استیمسون

آنچه قرار است امروز در مسقط انجام شود، گفت‌وگوهای مقدماتی است و من انتظاری ندارم که در این گفت‌وگوها تحول غیرمنتظره و توفیق فوق‌العاده‌ای رخ دهد. بهترین نتیجه گفت‌وگوهای امروز مسقط می‌تواند این باشد که سیدعباس عراقچی و استیو ویتکاف بر فرآیندی برای ادامه گفت‌وگوها در آینده توافق کنند. اگر عراقچی و ویتکاف به‌صورت مستقیم هم دیدار کنند که حتی بهتر خواهد شد. مقام‌های دو کشور در حالی قرار است گفت‌وگو کنند که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا چندین بار به صورت علنی تهدید کرده‌است در صورت شکست مذاکرات ممکن است اقدام نظامی علیه ایران صورت بگیرد. من باور ندارم که دونالد ترامپ علاقه‌مند به جنگ باشد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در طول کارزار تبلیغات انتخاباتی خود بارها و بارها تاکید کرده‌است که علاقه‌مند است «جنگ‌های احمقانه» را پایان دهد. او اصرار دارد که علاقه‌ای ندارد آمریکا را وارد جنگ‌های جدید کند.

اما اگر حرکت سریعی به سمت یک توافق شکل نگیرد، اسرائیلی‌ها ممکن است منازعه‌ای به راه بیاورند و تلاش کنند که پای آمریکا را به آن بکشند. آنچه محتمل‌تر است این است که ترامپ تحریم‌ها را تشدید کند و برای کشورهای که از ایران نفت وارد کنند، تعرفه مضاعف وضع کند. اما با توجه به اینکه از روز سه‌شنبه هفته گذشته توسط دولت ترامپ تعرفه‌های ۱۰۴ درصدی بر همه کالاهای وارداتی از چین وضع شد، من بعید می‌دانم که چنین استراتژی موفق باشد.

تعدادی از مقام‌های آمریکایی و خارجی، از جمله تام کاتن، سناتور جمهوری خواه و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، معامله‌مطلوب با ایران را توافقی مشابه توافق سال ۲۰۰۳ با معمر قذافی، برای تسلیم و جمع‌آوری تمامی برنامه هسته‌ای لیبی توصیف کرده‌اند. به باور من «مدل لیبی» به دلایل مختلف باعث شکست مذاکرات خواهد شد. قذافی تعدادی سانتریفیوژ از پاکستان خریداری کرده بود، اما حتی نمی‌دانست چگونه آنها را سر هم کند. در آن دوران لیبی دنبال این بود که در پی سیاست «جنگ علیه تروریسم» آمریکا که بعد از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر آغاز شد، روابط جدیدی با آمریکا برقرار کند.

شرایط ایران کاملاً متفاوت است. برنامه هسته‌ای ایران بسیار پیچیده‌تر و قدیمی‌تر است و سابقه آن به دوران شاه باز می‌گردد. در نتیجه من تصور نمی‌کنم که ایران بپذیرد برنامه هسته‌ای خود را برچیند. آنچه محتمل‌تر است ایران قبول کند، این است که ایران نظارت‌ها و بازرسی‌های شدید و سرزده، محدود کردن غنی‌سازی به غنای پایین و ارسال ذخایر اورانیوم غنی‌شده در سطح بالا به خارج از کشور و یا رقیق‌سازی آنها را احیا کند. ایران ممکن است حتی بپذیرد اگر تحریم‌های آمریکا بر صادرات نفت خام و بانک مرکزی ایران به صورت دائمی برداشته شود، تعهدات برجامی ابدی و بدون تاریخ انقضا شوند. پیشنهاد قابل پذیرش دیگر این است که ایران حاضر به پذیرش تمدید محدودتر تاریخ‌های انقضای برجام در برابر رفع محدودتر تحریم‌ها شود. در نهایت مدل لیبی و درخواست‌هایی برای برچیدن و جمع‌آوری برنامه هسته‌ای ایران، قطعاً مورد پذیرش ایران قرار نخواهد گرفت و مذاکرات را به بن‌بست می‌کشاند.

تهران و واشنگتن در نخستین گام گفت‌وگوها نباید مطالبات انجام‌نشده و بن‌بست‌زا مطرح کنند که در همان گام نخست مذاکرات را متوقف کند. نمایندگان ایران و آمریکا باید با شناختی که از طرف مقابل دارند، مطالبات منطقی و قابل‌اجرایی را مطرح کنند که اجازه بدهد مذاکرات ادامه پیدا کند. موفقیت یا شکست مذاکرات امروز مسقط به خواسته‌ها و مطالباتی که از سوی دو طرف مطرح می‌شود، بستگی خواهد داشت.